

Socio-cultural components of the Islamic state system in Nahjul-Balagha

Saeed Ghorbani Tazekandi*

Abstract

One of the strategic issues for political systems in all societies is the establishment of a desirable social and cultural system for achieving ideals and goals. For this reason, every state must be loyal (necessary) to a series of components and indicators in this regard in order to achieve political stability and the development of its society and its employees. This issue has also been considered by the Islamic school. The formation and survival of a desirable state based on Islam is also one of the most idealistic demands of this religion, which is formed only by relying on desirable cultural and social values. The formation of governments is not formed solely on the basis of social and cultural components, and other issues and components are also involved in this process. In this study, the author aims to explore the basic components of socialization from the perspective of Imam Ali(AS) by using the method of content analysis, citing the attitude of Imam Ali (AS) in Nahj al-Balagha, regarding state-building, and by applying the theoretical approach of socio-cultural system-building (Method). The research question is: What are the socio-cultural components for the formation of a desirable system from the perspective of Imam Ali (AS)? (Question) To achieve the desired Islamic system, socio-cultural components such as religion-centeredness, leadership and guardianship, justice, human dignity, unity, meritocracy, freedom, order, participation, security, etc. must be given careful attention. (Findings)

Keywords: Amir al-Mu'minin (AS), Nahj al-Balagha, social and cultural component, system building, Islamic state.

* Assistant Professor, Strategic Studies of the Islamic Revolution, Institute for Humanities and Cultural Studies,
Tehran, Iran, s.ghorbani@ihcs.ac.ir

Date received: 17/03/2025, Date of acceptance: 13/05/2025



مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی نظام سازی دولت اسلامی در نهج‌البلاغه

سعید قربانی تازه کندی*

چکیده

از موضوعات راهبردی برای نظام‌های سیاسی در تمام جوامع، نظام سازی مطلوب اجتماعی و فرهنگی برای تحصیل آرمان‌ها و اهداف متعالی است و به همین دلیل، هر دولتی در جهت پایداری و ثبات سیاسی و توسعه جامعه و تأمین کمال افراد خود می‌بایست نسبت به یک سلسله مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در این راستا وفادار بماند (ضرورت). این موضوع مورد توجه مکتب اسلام نیز قرار گرفته است. شکل‌گیری و بقای دولت مطلوب بر مبنای اسلام نیز از آرمانی‌ترین خواسته‌های این دین است که تنها با تکیه بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مطلوب شکل می‌گیرد. شکل‌گیری حکومت‌ها صرفاً بر مبنای مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی شکل پیدا نمی‌کند و موضوعات و مؤلفه‌های دیگر نیز در این فرایند دخیل است اما در این پژوهش نویسنده مترصد آن است که با روش تحلیل مضمون با استناد به نگرش امیرمؤمنان (ع) در نهج‌البلاغه، در باب دولت سازی و با به کارگیری رویکرد نظری نظام سازی اجتماعی - فرهنگی، مؤلفه‌های اساسی اجتماعی سازی را از منظر امیرالمؤمنین (ع) مورد کنکاش قرار دهد (روش) درصدد پاسخ‌دهی به این سؤال است که مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی برای شکل‌گیری یک نظام سازی مطلوب از منظر امیرالمؤمنین (ع) کدامند؟ (سؤال) یافته‌های پژوهش حاکی از این هست که برای رسیدن به نظام اسلامی مطلوب نیاز است مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی مورد توجه قرار گیرد که شامل؛ دین‌محوری، رهبری و ولایت، عدالت‌گرایی، اهتمام به کرامت انسانی، وحدت گروی و انسجام‌گرایی عمومی، شایسته‌سالاری، آزادی‌خواهی، نظم و انضباط، مشارکت، استقرار امنیت و جایگاه عقلانی اقشار اجتماعی است. (یافته‌ها)

* استادیار، مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
s.ghorbani@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳



کلیدواژه‌ها: امیرالمؤمنین (ع)، نهج‌البلاغه، مؤلفه اجتماعی و فرهنگی، نظام سازی، دولت اسلامی.

۱. مقدمه

ارزش حکومت و حاکم در جوامع بشری از این جهت حائز اهمیت است که انسان یک موجود اجتماعی است و اصولاً خواهان این است که با هم‌نوعان خود تعامل داشته باشد تا از این طریق به سعادت و کمال برسد. این مهم زمانی تحقق پیدا می‌کند که در جوامع بشری نظم حکم‌فرما باشد. لاجرم، حکومت از لوازم سعادت بشری است؛ زیرا اجتماع بدون حکومت، موجب هرج و مرج می‌شود، استعدادها در آن شکوفا نمی‌شود، علوم و فنون بشر در آن توسعه نمی‌یابد و غیره. در طول تاریخ، حکومت‌های مختلفی آمده و رفته که اکثر آنها مایه فساد بشر بوده‌اند، حکومت‌هایی که بر مبنای آن هر حاکمی که با زور و قدرت زمام امور را به دست می‌گرفت، مشروع بوده و مردم باید از آن اطاعت کنند. در طول تاریخ از مهم‌ترین مسائلی که ذهن انسان‌ها و به‌ویژه روشنفکران و اندیشمندان را به خود مشغول ساخته، مسئله نظام سیاسی و دولت و شرایط حکومت صالح و عادلانه است. در تعریف حکومت و بیان حدود حکومت عدل، فرضیه‌ها و نظریات مختلفی بیان شده است، ولی در این مورد، یقیناً، شرایع الهی نظریاتی در جهت هدایت جامعه بشری بیان می‌کنند که بواقع در هر عصری جامع‌ترین و کامل‌ترین نظریه‌ها هستند. اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، تمام موضوعات موردنیاز بشر را موردبحث و بررسی قرار داده است و یکی از موضوعاتی که اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل شده و با تأکیدات گسترده‌ای آن را موردعنايت قرار داده است؛ مسئله دولت و آرمان‌های حکومت از دید اسلام است. امیرمؤمنان (ع) نیز در سیر طولی اسلام و با تبعیت کامل از آن به دولت و آرمان‌های آن نگاه ژرفی داشته است و مؤلفه‌های مهم و تعیین‌کننده‌ای را مطرح ساخته است که در صورت تحقق آنها در جامعه، زمینه برای پیشرفت جامعه در تمام ابعاد و رسیدن جامعه و افراد به کمال مطلوب‌ها فراهم می‌شود. مؤلفه‌هایی که در دوران خلافت آن حضرت به بهترین نحو در حیات اجتماعی مسلمانان متجلی شده است. با توجه به نیاز امروز جامعه ما به اجتماعی سازی شهروندان از یکسو و برخورداری از معیارها و مؤلفه‌هایی که بتواند مسیر پیشرفت و تکامل را در تمام ابعاد و به صورتی همه‌جانبه فراهم آورد و نظام مطلوب انسانی را ایجاد کرده و آن را استمرار بخشد، از سوی دیگر، مسئله این پژوهش متوجه دیدگاه امام (ع) در این خصوص با تکیه بر نهج‌البلاغه است.

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی نظام سازی ... (سعید قربانی تازه کندی) ۱۴۱

در این پژوهش هدف نگارندگان بر این است که مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی شکل دهنده دولت اسلامی را مورد کاوش قرار دهند. سؤال پژوهش این‌که؛ مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی موردنظر امام علی(ع) برای شکل‌گیری یک نظام اجتماعی مطلوب کدامند؟ و در ادامه هریک از مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی به‌عنوان مسئله‌ای موردبررسی قرار خواهد گرفت.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

۱.۲ دولت اسلامی

دولت در معنای لغوی به معنای مملکت، کشور، بخت، اقبال است. دولت در معنای اصطلاحی ساخت قدرتی است که این ساختار به‌صورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، نظامی و قضایی خود را نشان می‌دهد که در سرزمین معین بر مردمانی معین تسلط پایدار دارد و از نظر داخلی نگهبان و از نظر خارجی پاسدار تمامیت سرزمین و منافع شهروندان خویش است. همچنین دولت در علم سیاست از چهار رکن اصلی؛ یعنی سرزمین، مردم، حکومت و حاکمیت تشکیل شده است. بر این اساس، دولت اسلامی مجموعه حکومتی و سیاستی است که در مرزهای کشور اسلامی و با مشارکت مردم و تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی ایجاد گردیده و اقدامات و سیاست‌گذاری‌های دولت نیز بر اساس آموزه‌ها و اصول اساسی اسلامی است. درواقع دولت اسلامی، دولتی است که کارکرد و اهداف دولت و از همه مهم‌تر انتخاب حاکمان مبتنی بر اراده الهی و متون دینی تعریف و تبیین می‌گردد و بر اساس آن موردسنجش و بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین ساخت عمومی قدرت سیاسی و شرایط برگزیدن حاکمان با معیارهای ملحوظ در نصوص دینی تعریف می‌گردد. (صادقی، ۱۴۰۳: ۹)

۲.۲ نظام‌سازی اسلامی

نظام سیاسی به معنای اداره و به نظم و سامان درآوردن امور جامعه است. چراکه هیچ جامعه‌ای بدون نظام سیاسی دوام نخواهد آورد. (عالم، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۱۵۲) منظور از نظام‌سازی اسلامی به معنای اداره و سروسامان دادن امور جامعه در ابعاد مختلف حیات بشری با تبعیت از مبانی و اصول و ارزش‌های اسلامی است. در صورت تخطی از مبانی اسلامی نظام ظهور یافته از احکام الهی از بین خواهد رفت.

در این تحقیق نویسنده مترصد آن است با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی شکل‌دهنده‌ی نظام اسلامی را در متن نهج‌البلاغه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۳. پیشینه پژوهش

در تحقیقات و مطالعات مختلفی که پیرامون عنوان «نظام سازی در نهج‌البلاغه» انجام شده است تورقی صورت گرفت؛ برای نمونه چند مورد از تحقیقات انجام شده مورد بررسی قرار می‌گیرد تا وجهه‌ی نوآوری پژوهش حاضر نسبت به سوابق پژوهشی مشخص گردد:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نام نویسنده	عنوان	هدف و نتیجه
۱	حسن رنگریز	طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه	هدف این پژوهش، طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه است و نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که دول اسلامی باید تمامی رهیافت‌های رفتاری، ساختاری و محتوایی دولت‌مداری را باید در قالب دولت‌شهر نبوی و علوی جست‌وجو کنند.
۲	احمد جهانی نسب	تبیین ماهیت دولت در اندیشه سیاسی امام علی(ع) مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه: رویکردهای مفهومی، کارکردی و ساختاری	در این نوشتار، نویسنده تلاش دارد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی ماهیت دولت اسلامی را از منظرگاه امام علی(ع) مورد تحلیل قرار دهد. نتیجه‌ی حاصل شده اینکه خاستگاه دولت دارايشان الهی است که همراه با مقبولیت مردمی است. دولت در نهج‌البلاغه یک پیکره واحد بوده که در نظام ولایت متجلی می‌گردد و مجموع روابط بین اجزاء، کارکردها و ساختار آن را نیز به تحلیل و تفسیر می‌گذارد.
۳	کامبیز حمیدی و امیرحسین رمضان شمس	مدیریت و حکمرانی در اسلام از منظر نهج‌البلاغه	در این پژوهش ویژگی‌های مدیریت و حکمرانی مطلوب از منظر نهج‌البلاغه مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است تا با اقتباس از مبانی اسلامی، زمینه‌های شکل‌گیری حکمرانی مطلوب واصل گردد.
۴	علیرضا کمالی	بررسی اهداف حکومت دینی از دیدگاه نهج‌البلاغه	در این مقاله هدف بررسی اهداف کلان نظام سیاسی اسلامی در بطن نهج‌البلاغه در امور مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی به همراه زیرمجموعه‌هایشان است.

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی نظام سازی ... (سعید قربانی تازه کندي) ۱۴۳

ردیف	نام نویسنده	ردیف	عنوان	هدف و نتیجه
۵	مرتضی ابراهیمی و عبدالله حسینی	۵۳۱	کارآمدی نظام سیاسی از دیدگاه نهج‌البلاغه	این پژوهش به دنبال این است که عوامل و زمینه‌های کارآمدسازی نظام سیاسی را با تکیه بر مبانی و مطالب نهج‌البلاغه تحلیل کند. عواملی همچون امنیت، مشارکت و مردمی سازی و... از جمله شاخص‌های مدنظر بوده است.
۶	سیداحمد میرعمادی	۱۰۶۱	پایه‌گذاری نظام و دولت اسلامی از نگاه نهج‌البلاغه	در این پژوهش تلاش شده است تا پایه‌های شکل‌دهنده نظام سازی اسلامی بر مبنای نهج‌البلاغه به تحلیل گذاشته شود و از دل این تحلیل مواردی در ابعاد مختلف اقتصادی و قضایی و سیاسی به همراه زیرمجموعه‌ها در شکل‌دهی نظام اسلامی طرح بحث شده است.
۷	عظیم اله نبی لو و نجف لک زایی	۱۳۱۱	نظام سیاسی در نهج‌البلاغه	هدف از پژوهش حاضر تبیین چگونگی شکل‌گیری نظام سیاسی مطلوب در منظر امام علی (ع) با استناد بر نهج‌البلاغه است.

وجه نوآوری پژوهش: با مطالعات انجام‌شده در سوابق پژوهشی، آنچه عاید می‌گردد اینکه در پژوهش‌های مختلفی پیرامون نظام سیاسی و مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی آن در نهج‌البلاغه طرح بحث شده است و هر محقق زوایایی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظام سازی سیاسی را مورد تحلیل قرار داده‌اند. آنچه در این پژوهش به‌عنوان نوآوری قابل طرح است، نوع روش تحلیل مباحث پیرامون عنوان طرح‌شده، روش تحلیل مضمون است و همچنین تأملی در مباحث فرهنگی - اجتماعی شکل‌دهنده نظام سازی مطلوب است.

۴. روش پژوهش: تحلیل مضمون

در این مقاله جهت بررسی مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی شکل‌گیری نظام سیاسی در دولت اسلامی در نهج‌البلاغه از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش داده‌ها را سازماندهی و با جزئیات توصیف می‌کند اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر نماید (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۸۹). تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی. تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح

ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند. سپس، از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود. تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. البته به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود و به همین دلیل تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیشتری طلب می‌کند. برخلاف روش‌های تحلیل گفتمان یا تحلیل محتوا، تحلیل مضمون ساده به پژوهشگر اجازه نمی‌دهد درباره زبان استفاده‌شده در متن، ادعاهایی کند. تحلیل مضمون به روش‌های گوناگونی قابل اجرا و استفاده است (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳).

مرحله‌ی تحلیلی	گام	اقدام
الف) تحویل یا خرد کردن متن	گام اول: کدگذاری	تهیه یک چارچوب کدگذاری تجزیه متن به پاره‌گفتارها با استفاده از چارچوب کدگذاری
	گام دوم: شناخت مضامین	انتزاع مضامین از پاره‌گفتارها تصحیح مضامین
	گام سوم: ساختن شبکه‌های مضمونی	منظم کردن مضامین یافتن مضامین پایه‌ای بازآرایی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان‌دهنده استخراج مضمون (مضامین) فراگیر ترسیم شبکه (های) مضمونی بازبینی و تصحیح شبکه (های) مضمونی
ب) کاوش متن	گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	توصیف شبکه اکتشاف شبکه
	گام پنجم: خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی	
ج) یکپارچه‌سازی اکتشاف‌ها	گام ششم: توصیف الگوها	

شکل ۱. ساختار شبکه مضمونی

(درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷)

مراحل روش تحلیل مضمون عبارت‌اند از:

۱. تحویل متن و به دست آوردن مضامین پایه‌ای: جهت آغاز کار واکاوی مضامین در فرمایشات امیرالمؤمنین (ع) ضرورت دارد مضمون‌های پایه مستخرج شود و اولین مرحله، تحویل متن است. در این مرحله، بیانات امام علی (ع) در زمینه مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی شکل‌گیری نظام سیاسی در دولت اسلامی به دست می‌آید. مضامین استخراج‌شده در کدهایی طبقه‌بندی می‌شوند که به نام مضامین پایه‌ای معنایی می‌شود. مضامین فوق به منظور تحقق مضامین سازمان‌دهنده لازم و ضروری هستند و در

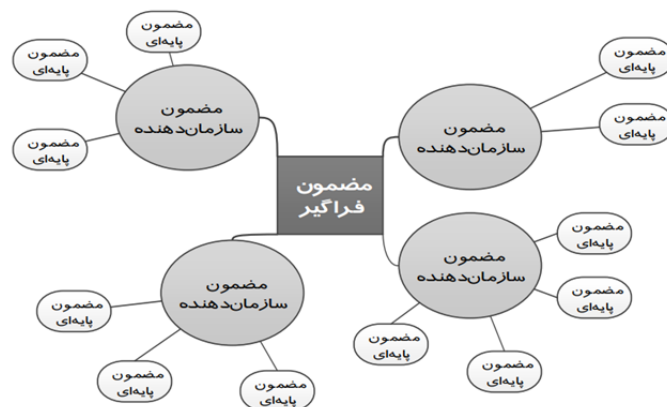
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی نظام سازی ... (سعید قربانی تازه کندی) ۱۴۵

شرایطی که فرآیند کشف و استخراج کدها و مضامین عام دقیق صورت نگیرد، فضا برای به دست آوردن مضامین سازمان دهنده فراهم نمی‌شود.

۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین سازمان دهنده: در مرحله‌ی دوم از تحلیل مضمون، مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان دهنده برگردانده می‌شوند. در این مرحله، مضمون‌های سازمان دهنده از مضامین کشف‌شده از مرحله تحویل متن نیز انتزاع می‌شوند. اقدام اساسی و مهم در این اینجا، نظم دهی دوباره مضامین اولیه جهت ارائه مضامین انتزاعی‌تر است که مجال دستیابی به مضامین فراگیر را ایجاد می‌کند.

۳. تبدیل مضامین سازمان دهنده به مضامین فراگیر: در مرحله‌ی سوم از تحلیل مضمون، مضامین سازمان دهنده به مضامین فراگیر برگردانده می‌شوند. تا فضا برای تحلیل شبکه مضامین شکل بگیرد.

۴. کشف و تحلیل شبکه مضامین: با نایل به مضامین پایه و سازمان دهنده و فراگیر در مراحل اول و دوم و سوم تحلیل مضمون، فضای لازم به‌منظور تشریح و تحلیل مضامین مربوط مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی شکل‌گیری نظام سیاسی در دولت اسلامی در نهج البلاغه فراهم می‌گردد. با تحلیل مضامین کشف‌شده و کدگذاری‌های لازم، شبکه مضامین تشریح و تحلیل می‌گردد. در پایان این مرحله، مجموعه مضامین مندرج در جداول تحلیل مضمون به‌صورت تشریحی ارائه می‌گردد و نمودار شاخص شبکه مضامین ارائه می‌شود.



شکل ۲. ساختار شبکه مضمونی

(درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵)

۵. مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی شکل‌گیری نظام سیاسی بر اساس نهج البلاغه

الف. استخراج مضامین پایه از متن اصلی

ب. استخراج مضامین سازمان دهنده از مضامین پایه

ج. استخراج مضامین فراگیر از سازمان دهنده

در این بخش، مضامین پایه از متن اصلی نهج البلاغه استخراج می‌شوند، و در ادامه به مضامین سازمان دهنده و فراگیر تبدیل می‌شوند تا بستر توصیف مضامین فراهم شود.

جدول ۲. تحلیل مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر

ردیف	متن	استخراج مضامین پایه	استخراج مضامین سازمان دهنده	استخراج مضامین فراگیر
۱	مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جز آنکه خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر دچار خواهد ساخت.	-اصلاح دنیای انسان با دین امکان‌پذیر است. -دوری از دین باعث خسارت برای جامعه‌ی بشری است. -ترک احکام دینی در جامعه سبب خسران است.	دین‌محوری	مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی نظام سازی در دولت اسلامی در نهج البلاغه
۲	آیا دینی ندارید که زمینه اتحادتان شود.	-دین عاملی برای وحدت است. -دین به‌عنوان یکی از ارکان نظام سازی، سبب وحدت است.	دین‌محوری	
۳	جایگاه من نسبت به ولایت و خلافت جامعه همچون محور آسیاب است نسبت به سنگ آسیاب.	-نقش رهبری در نظام سازی اساسی است. -رهبری کانون اصلی پیونددهنده‌ی امور است. -رهبری مانع اختلاف است.	ولایت، رهبری و	
۴	واقعیت جز این نیست که من محور آسیاب هستم، چرخه‌ای کشور باید همواره بر محور من بچرخد. و من در جای خویش ثابت بمانم، اگر لحظه‌ای جایگاهم را رها کنم، مدارش سرگردان می‌شود و سنگ زیرین آن به لرزش می‌گراید.	-رهبری ستون و پایه‌ی اصلی نظام سازی حکومت اسلامی است. - تفرقه در امور رهبری باعث خسران است. -رهبری بد بهتر از فقدان رهبری است. -ترک فعل رهبری جامعه را به قهقرا خواهد برد.	رهبری و ولایت	
۵	جایگاه فرمانده سپاه، همانند رشته‌ای است که مهره‌ها را در آن کشند، و او آنها را در کنار هم جای‌دهد، اگر آن رشته بگسلد، مهره‌ها پراکنده شوند و هر یک به سوی روند، انسان، که گردآوردنشان هرگز میسر نگردد.	-رهبری عامل اساسی در گردآوری دیگر کانون‌های نظام اسلامی است. -نظام سازی اسلامی بدون رهبری امکان‌پذیر نیست. -رهبری سامان دهنده امکانات و نیروها است.	رهبری و ولایت	

مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی نظام سازی ... (سعید قربانی تازه کندی) ۱۴۷

ردیف	متن	استخراج مضامین پایه	استخراج مضامین سازمان دهنده	استخراج مضامین فراگیر
۶	عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری، به مبارزه و شمشیر می‌انجامد.	-عدالت بستر آرامش را در جامعه فراهم می‌کند. -عدالت عاملی برای تبعیت مردم است. -بی‌عدالتی جامعه را در ریل عصیان گری قرار می‌دهد. -عدالت یکی از ارکان شکل دهی نظام سازی اسلامی است. -بی‌عدالتی نظام سیاسی شکل گرفته در جامعه را در مسیر انحطاط قرار می‌دهد.	عدالت محوری	
۷	آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست.	-مبنای پیروزی باید با تبعیت از عدالت حاصل شود. -تخطی از عدالت جامعه اسلامی را از ریل گذاری دینی و مردمی جدا خواهد کرد. -عدالت در تقسیم اموال و سهم‌ها باعث پایداری نظام سیاسی می‌شود. -بی‌عدالتی مسیر نظام سیاسی اسلامی را تغییر خواهد داد.	عدالت محوری	
۸	به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیایم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن‌کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم بر او سخت‌تر است.	-عدالت باعث گشایش و آرامش روانی در بطن جامعه می‌گردد. -بی‌عدالتی نظام سیاسی را دچار خسران خواهد کرد. -بی‌عدالتی مردم را در مقابل نظام سیاسی قرار خواهد داد. -بی‌عدالتی باید از ریشه اصلاح شود.	عدالت محوری	
۹	آن‌گونه که با ستمگران و جباران سخن می‌گویید با من سخن نگوئید و آن‌چنان‌که در مقابل مستبدان و حاکمان جابر، محافظه‌کاری و خود را جمع‌وجور می‌کنید، در حضور من نباشید.	-کرامت انسانی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل دهنده نظام سیاسی اسلامی است. -حفظ کرامت انسانی و ارزش گذاری به آن باعث آرامش روانی و بروز استعدادها می‌گردد. -ارزش گذاری به انسان از توصیه‌های اسلام است.	اهتمام به کرامت انسانی	
۱۰	ای مالک، باید دلت از رحمت و محبت مردم مالا مال باشد و لطف و دوستی نسبت به آنان روا داری و نباید همچون جانور درنده‌ای، خوردن آن‌ها را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو صنف هستند: گروهی برادر دینی تواند و دسته‌ای اگرچه مسلمان نیستند، اما مثل تو انسان‌اند و انسان محترم است و حفظ حرمتش لازم.	-ارتباط بین انسان‌ها باید بر اساس کرامت انسانی تعریف شود. -رهبر جامعه باید کرامت انسانی را حفظ و گسترش دهد. -حفظ کرامت انسانی باعث جلب دل مردم می‌شود. -حفظ کرامت انسانی نباید صرفاً محصور در مبانی مذهبی شود.	اهتمام به کرامت انسانی	
۱۱	(خداوند) از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده‌دارند، انجام دهند، و عهدی را که پذیرفته‌اند وفا کنند، این‌گونه که بر آدم سجده کنند، و او را بزرگ بشمارند، و فرمود: بر آدم سجده کنید پس فرشتگان همه سجده کردند جز شیطان، غرور و خودبزرگبینی او را گرفت و شقاوت و بدی بر او غلبه کرد و به آفرینش خود از آتش افتخار نمود، و آفرینش انسان از خاک را پست شمرد.	-ارزش گذاری به انسان برای خدای منان بسیار اهمیت دارد. -کشف و به‌کارگیری استعدادهای انسانی با ارزش گذاری و کرامت دادن به انسان امکان شکوفایی دارد. -عناد از حفظ کرامت انسانی سبب خسران در نظام سیاسی است.	اهتمام به کرامت انسانی	

ردیف	متن	استخراج مضامین پایه	استخراج مضامین سازمان دهنده	استخراج مضامین فراگیر
۱۲	ای مردم امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات در هم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی بهره‌بزید و تاج‌های فخر و برتری‌جویی را بر زمین نهید.	- وحدت به‌مانند کشتی عامل نجات و رهایی از سرنوشت شوم است. - راه رهایی از فتنه‌ها دوری از اختلاف است. - مصونیت نظام سیاسی اسلامی با رهایی از اختلاف‌های امکان‌پذیر است. - خنثی‌سازی و خودبرتری‌نمی‌عاملی اساسی در اختلاف و تفرقه است.	وحدت گروهی و انسجام گروهی عمومی	
۱۳	خداوند سبحان با وحدت و برادری، بر این اَمّت مَنّت گذارده است تا در سایه این رشته همبستگی آرام گیرند، نعمتی که هیچ ارزشی را همانند آن نمی‌توان تصور کرد و هیچ آفریده‌ای بهایش را در نمی‌یابد؛ زیرا از هر ارزشی پربه‌تر است و از هر سترگی سترگ‌تر.	- وحدت مهم‌ترین نعمتی است که در سایه‌ی اسلام بر امت اسلامی ارزانی شده است. - وحدت عامل آرامش و آسایش جسمی و روانی است. - رشد و توسعه و تعالی در سایه‌ی وحدت امکان‌پذیر است.	وحدت گروهی و انسجام گروهی عمومی	
۱۴	و این تنها اتیوه مردم‌اند که دین را تکیه‌گاه، مسلمانان را ریشه، رویاروی با دشمنان در نبرد و نیروی ذخیره‌اند. پس گوش تو باید ویژه‌ایشان و گرایش همسوی آن‌ها باشد.	- افراد جامعه باید مزین بر وحدت باشند. - تفرقه انسان‌ها را از هم جدا می‌کند. - جدایی انسان‌ها نظام سیاسی را دچار تشتت و اختلاف خواهد کرد.	وحدت گروهی و انسجام گروهی عمومی	
۱۵	در گزینش کارکنان و فرمانروایان، شفاعت و وساطت کسی را می‌پذیر، مگر شفاعت شایستگی و امانتداری آن‌ها.	- شایسته‌سالاری یکی از رموز ماندگاری نظام سیاسی است. - سهم خواهی در نظام سیاسی باید بر اساس شایسته‌سالاری صورت گیرد. - گزینش کارگزاران نظام سیاسی باید از طریق شایسته‌سالاری صورت گیرد. - شایسته‌سالاری و امانت‌داری از مبانی واگذاری سمت‌ها است.	شایسته‌سالاری	
۱۶	بنده دیگری مباش و حال آن خداوند تو را آزاد آفریده است.	- آزادی از مهم‌ترین نعمت‌های الهی بر انسان جهت رشد و تعالی است. - بندگی غیر خدا باعث سلب آزادی و عدم رشد و شکوفایی استعدادها می‌گردد.	آزادی خیرهای	
۱۷	آگاه باشید، زنه‌ار، زنه‌ار از پیروی و فرمان‌بری سران و بزرگان، آنان که به اصل و حسب خود می‌نازند، و خود را بالاتر از آنچه هستند می‌پندارند.	- تبعیت از غیر و تسلیم غیر باعث بردگی انسان می‌شود. - پیروی و تبعیت بی‌چون‌وچرا از سران و بزرگان باعث سلب آزادی و عدم شکوفایی استعدادها می‌شود.	آزادی خیرهای	

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی نظام سازی ... (سعید قربانی تازه کندی) ۱۴۹

ردیف	متن	استخراج مضامین پایه	استخراج مضامین سازمان دهنده	استخراج مضامین فراگیر
۱۸	گاهی مردم، ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می‌دارند. اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبایی خود مستائید. تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم، و حقوقی که مانده است پردازم، و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد، ادا کنم. پس با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف ننزینید، و چنان‌که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند، دوری نجوئید. و با ظاهر سازی با من رفتار نکنید، و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید.	- آزادی باید در جامعه نهادینه شود. - آزاداندیشی باعث رشد و تعالی نظام سیاسی و افراد می‌گردد. - سلب آزادی باعث سلب حقوق افراد خواهد شد. - بها دادن به آزادی و آزاداندیشی باعث حفظ پایه‌های نظام سیاسی می‌گردد.	آزادی خواهی	
۱۹	به خدا سوگند اگر که هفت‌اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌ها است به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از دهن مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد.	- قانون‌گرایی و تبعیت از قانون باعث پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد. - نافرمانی قانون الهی امری ناپسند است و سبب خسران جامعه و انسان می‌گردد. - نظام سیاسی برای شکل‌گیری و استمرار نیازمند قانون است.	قانون‌گرایی	مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی نظام سازی در دولت اسلامی در پنج الیافه
۲۰	شما و همه فرزندانم و هر کس که نامه‌ام به او می‌رسد را به ترس از خدا و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم.	- نظام و انسجام در امور باعث رشد نظام سیاسی می‌شود. - نظم در امور سبب شکوفایی استعدادها می‌گردد. - نظم در امور امری پسندیده است.	نظم و انضباط مجوزی	
۲۱	هر کس خودرأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد.	- خودرأی بودن مسیری برای هلاکت و سقوط است. - مشورت در امور باعث کسب تجربه‌ی دیگران می‌شود. - نظام سیاسی که متشکل از تک‌تک افراد جامعه است برای شکل‌گیری و تداوم نیازمند توجه به امر مشورت است. - استبداد و عدم توجه به عقول و تجربه‌ها زمینه‌ساز انحراف و سرانجامی افراد و نظام‌های سیاسی است.	مشارکت سیاسی	
۲۲	آن‌کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد.	- استفاده از افکار دیگران صحیح از خطا را برای انسان بیشتر شفاف می‌کند. - تصمیم‌گیری درست و منطقی نیازمند استفاده از افکار و آراء گوناگون است. - نظام سیاسی موفق نظامی است که متصل بر افکار و عقول و تجربه‌ها باشد.	مشارکت سیاسی	

ردیف	متن	استخراج مضامین پایه	استخراج مضامین سازمان دهنده	استخراج مضامین فراگیر
۲۳	مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند؛ تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافر آن‌هم بهره‌مند شوند. و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت، بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود. نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان هستند.	- زمامدار بد بهتر از فقدان زمامدار و هرج و مرج در جامعه است. - شکل‌گیری حکومت باعث آرامش روانی و جسمی در افراد می‌گردد. - از جمله پایه‌های اصلی شکل‌گیری نظام سیاسی، ایجاد حکومت است. - در سایه‌ی حکومت بسیاری از امور به سرانجام می‌رسد.	استقرار امنیت	
۲۴	ای مالک بدان که رعیت از اقشاری تشکیل یافته است که هر یک جز به وسیله دیگری اصلاح و تکمیل نمی‌شود. این‌ها عبارت‌اند از: لشکریان، خدا، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستری، عاملان انصاف و مدارا، اهل جزیه و مالیات، تجار و صنعت‌گران و قشر پائین از نیازمندان و مستمندان.	- یکی از پایه‌های نظام سیاسی موفق وجود و حضور فعال اقشار مختلف است. - اقشار مختلف در نظام سیاسی به‌نوعی مکمل هم در انجام امور هستند.	جایگاه اجتماعی اقشار	
۲۵	روزی فراوان بر کارگزاران دولتی ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشد، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و اتمام حقی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند.	- رهبر نظام سیاسی باید سخاوتمند باشد و از خساست در امور کارگزاران پرهیز کند. - دریافت حقوق مکفی توسط کارگزاران نظام باعث کاهش خیانت می‌شود.	اقشار اجتماعی جایگاه	
۲۶	همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید و آن کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیرخواهی، زنده نگاه داشتن سنت پیامبر (ص) جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان، رساندن سهم‌های بیت‌المال به اقشار مردم است.	- خیرخواهی در برابر اقشار جامعه از وظایف حاکم نظام سیاسی است. - سهم افراد در بیت‌المال باید به‌صورت مساوی بین اقشار جامعه تقسیم شود.	اقشار اجتماعی جایگاه	

د. کشف و توصیف شبکه مضامین

بعد از استخراج مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر، تلاش شد تا سازمان‌دهی بین کدهای استخراج‌شده انجام گیرد و شمای کلی مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی شکل‌گیری نظام سیاسی در دولت اسلامی در نهج‌البلاغه استخراج شود که شماتیک مضامین به قرار زیر است:



شکل ۳. مؤلفه‌های فرهنگی- اجتماعی نظام سازی دولت اسلامی

۶. بحث و تحلیل شبکه مضامین

۱.۶ مؤلفه‌های نظم‌سازی فرهنگی- اجتماعی

۱.۱.۶ دین‌محوری

دین مهم‌ترین رکن حیات انسانی برای نیل بشر به سعادت دنیا و آخرت است (شیروانی شیرینی و حیدری، ۱۴۰۱: ۲۰۰) منظور از دین‌محوری تکیه بر ارکان اساسی دین و قانون خدا در روند تحول اجتماعی و تحقق مؤلفه‌های دینی در پیشبرد جامعه و در تلاش برای رسیدن به نظام مطلوب اجتماعی- سیاسی است. به‌طور کلی مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی دولت اسلامی (علوی) از دیدگاه امام علی (ع) بر اساس مبانی دین‌محوری قرآنی است که وجهه‌ی ظهور پیدا می‌کند. دین در اصل یکی از عوامل اصلی پیشرفت و نظام سازی جوامع است که می‌تواند اقوام و ملت‌های مختلف و نژادهای مختلف با هر نوع نژاد و تیره‌ای را در یک نظام عقیدتی خاصی به هم پیوند دهد و اتحادی گسترده به وجود آورد. نقش سازنده و بی‌بدیل دین

در ایجاد نظام سیاسی اجتماعی است که ضرورت توجه به این عامل را به‌عنوان یک آرمان بنیادین مطرح می‌سازد (بخشنده، ۱۳۸۷: ۱۸). ولی در اصطلاح

دین مجموعه‌ای از معارف مربوط به مبدأ و معاد و قوانین اجتماعی، از عبادات و معاملات که از طریق وحی و نبوت به بشر رسیده، نبوتی که صدقش با برهان ثابت شده و نیز مجموعه از اخبار که مخبر صادق از آن خبر داده، مخبری که باز صادق بودنش به برهان ثابت شده است (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۳۴/۸).

دین‌باوری از مؤلفه‌های اساسی نظام ساز است. از نگاه امام علی (ع) اگر انسان در لحظه لحظه زندگی خودش تابع دین باشد و به اصول و مقررات آن که برای زندگی انسان و سعادت دنیوی و اخروی او تدوین شده است، عمل کند جامعه مسیر پیشرفت و تعالی را در پی گرفته و به سعادت می‌رسد، ولی اگر برخلاف آن باشد، نتیجه معکوس می‌دهد. امام علی (ع) می‌فرمایند: «مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جز آنکه خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر دچار خواهد ساخت» (حکمت/۱۰۶).

حضرت علی (ع) در خصوص دین به‌عنوان عامل وحدت‌آفرین و نظام بخش می‌فرمایند: «آیا دینی ندارید که زمینه اتحادتان شود» (خطبه/۳۹).

قرآن علاوه بر اینکه خود مؤلفه‌هایی پیشرفت و توسعه و نظام سازی را ارائه می‌دهد و تبیان مسیر انسان در حرکت تکاملی فردی و اجتماعی خود به‌پیش است، رسول‌الله (ص) و نظام سیاسی و دولت او را به‌عنوان الگویی نیکو معرفی کرده و از مسلمانان خواسته شده از دستورات آن حضرت اطاعت کرده و از مشی آن جناب تبعیت کنند (احزاب/۲۱) بر همین مبنا نظام دولتی پیامبر و تمدن اسلامی بر اساس قرآن و سیره و اندیشه پیامبر (ص) شکل گرفت. و به بیانی: تمدن اسلامی تنها تمدنی است که پیرامون یک متن شکل گرفته است؛ این بدان معنی است که ابتدا یک نوع بینش و زاویه نگاه به انسان‌ها داده شده و سپس از آن‌ها خواسته شده که بر اساس آن تمدن اسلامی را ایجاد کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

۲.۱.۶ رهبری و ولایت

رسیدن به نظام باثبات و پایدار سیاسی - اجتماعی نیازمند ولایت به‌مثابه رشته‌ای پیونددهنده میان شهروندان و افراد جامعه است. بر همین مبنای رهبری و ولایت است که امام و رهبر نقش بسزایی در پیشرفت و تعالی بشر و افراد جوامع دارد. این نقش در وجود رهبران دینی، که بقا اعتقادات مردم سروکار دارند، بسیار برجسته است. امام (ع) خود در خطبه شقشقیه در مورد

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی نظام سازی ... (سعید قربانی تازه کندی) ۱۵۳

رابطه خود با ولایت و رهبری جامعه می‌فرماید: جایگاه من نسبت به ولایت و خلافت جامعه چنان محور آسیاب است نسبت به سنگ آسیاب. (خطبه ۳) دربیانی دیگر می‌فرماید:

واقعیت جز این نیست که من محور آسیا هستم. چرخ‌های کشور باید همواره بر محور من بچرخد و من در جای خویش ثابت بمانم. اگر لحظه‌ای جایگاهم را رها کنم، مدارش سرگردان می‌شود و سنگ زیرین آن به لرزش می‌گراید (نهج البلاغه، ۳۷۹: ۲۲۸)

آن حضرت همچنین، جایگاه رهبر در جامعه را چونان ریسمان محکم می‌شمارند که مهره‌ها را متحد ساخته، به هم پیوند می‌دهد و اگر این رشته از هم بگسلد مهره‌ها پراکنده و هرکدام به سویی افکنده خواهند شد (خطبه ۱۴۶)، بنابراین، یکی دیگر از عوامل وحدت امت اسلامی، امام و رهبر است (میرجلیلی، ۱۳۸۷: ۵۴).

بنابراین می‌توان به این مسئله پی برد که ولایت از اصولی‌ترین و پایه‌ای‌ترین آرمان‌های دولت اسلامی و از مؤلفه‌های اساسی دولت سازی است که در صورت عدم آن، مؤلفه‌های دیگر که جزء اهداف و آرمان‌های دولت اسلامی هستند، شکل نخواهند گرفت.

۳.۱.۶ عدالت محوری

عدالت مفهومی اساسی در اندیشه سیاسی است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۲-۱۳). که همواره از آرمان‌های بشری بوده است. (حلوئیه و صحت، ۱۴۰۱: ۶۶) در سیره‌ی علوی، عدالت اسلامی جایگاه والایی دارد (دو پهلوان، ۱۴۰۲: ۶۶) اما عدالت محوری تنها از اختصاصات حکومت علوی نبوده، بلکه یک خواسته انسانی است که در طول تاریخ صدها و هزاران نهضت و قیام به بهانه دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان و تحقق عدالت اجتماعی به وقوع پیوسته است که یکی از آنها حکومت علوی بود. ولی عدالت‌خواهی امیرالمؤمنین (ع) از چند جهت با سایر نهضت‌ها تفاوت دارد.

یکم: هدف امیرالمؤمنین (ع) برقرار کردن عدل مطلق یعنی اقتصادی - سیاسی، اجتماعی، حقوقی و همگانی بود. ایشان از ظلم و ستم بیزار و شیفته عدالت، درباره همه انسان‌ها بلکه حیوانات بودند. عدالت‌خواهی آن حضرت جنبه گروهی یا صنفی یا قبیله‌ای یا نژادی نداشت. برخلاف دیگر نهضت‌های عدالت‌خواهی که غالباً جنبه گروهی یا صنفی یا قبیله‌ای یا دینی یا مذهبی یا کشوری داشته است، مانند نهضت‌های کارگری، دهقانی، حزبی (نژادی) مسیحی گری، یهودی گری، اسلامی، کشوری و غیره. هدف در این نهضت‌ها دفاع از حقوق حامیان و هواداران از نهضت بوده است نه حق و عدالت مطلق.

دوم: در نهضت‌های عدالت‌خواهی اولین و مهم‌ترین هدف نهضت کنندگان سرکوب کردن مخالفان و به وجود آوردن یک مرکز قدرت و حکومت مطلوب است، حراست از آن حکومت و رفع موانع و جهت بخشیدن به آرمان‌ها و اهداف خود است. به همین جهت در راه رسیدن به این هدف مقدس (اجرای عدالت) هرگونه عملی را تجویز می‌کنند، اما امیرالمؤمنین (ع) در رسیدن به حکومت دادگر چنین روش را نمی‌پسندند، اولین و مهم‌ترین هدف آن حضرت اجرای عدل و داد بود، نه تأسیس و ابقای حکومت، به هر وسیله‌ای که باشد، ایشان عقیده داشتند با اجرای عدالت و اجتناب از هرگونه ظلم و تجاوز باید در تأسیس حکومت عدالت‌خواه اقدام کرد نه به هر وسیله‌ای عقیده داشت، تجویز ارتکاب هرگونه تجاوز در راه تأسیس حکومت عدل و داد نقص غرض است و در این خصوص هرگونه توجیهی را ناروا می‌داشت و به همین جهت از ارتکاب هرگونه تجاوز و ستمی از جانب عوامل حکومتی جداً اجتناب می‌فرمودند.

سوم: سومین ویژگی حکومت علوی کم کردن فاصله طبقاتی و نفی هرگونه تبعیض بود امیرالمؤمنین (ع) فاصله شدید طبقاتی و تبعیضات بیجا را برخلاف عدالت اجتماعی و یک نوع ستم می‌دانستند. کسی که با کلمات آن حضرت و سیره و رفتارشان آشنا باشد، به‌خوبی این مطلب را درک می‌کند. امیرالمؤمنین عقیده داشت این مسئله مهم و حساس اجتماعی باید از شخص حاکم اسلامی و بستگان و نزدیکان و کارگزاران نظام و حقوق‌بگیران نظام شروع شود تا برای دیگران اسوه باشد (رکابی، ۱۳۹۰).

جامعه برتر در نظام اسلامی، جامعه‌ای است که مردم آن نه تنها عدالت اجتماعی را رعایت می‌کنند بلکه در گسترش آن در جامعه همت می‌گذارند چراکه داشتن روحیه عدالت‌خواهی از اصول و ارکان حیاتی انسان است، لذا قرآن کریم یکی از اهداف مهم و اساسی بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل در جامعه می‌داند. خداوند منان در قرآن کریم می‌فرماید:

به یقین ما فرو فرستادگان خود را با دلایلی روشن از منطق و معجزه فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و وسیله سنجش معانی و شناسایی حق از باطل و وزن اشیاء خارجی فرو فرستادیم تا مردم در دنیا به قسط و عدل برخیزند (حدید/۲۶).

پیامبران الهی باهدف تعالی بشر با بردباری و استقامت به مبارزه با ظلم و ستم پرداخته و در راهنمایی انسان مشقت‌های فراوانی را تحمل کرده‌اند (شریعت، ۱۳۸۷: ۹). در نگرش امام علی (ع) عدالت ریشه در جهان‌بینی الهی دارد، بنابراین نباید عدالت را از دیدگاه امام (ع) قراردادی و یا مبتنی بر رسوم و سنن و یا قواعد اجتماعی دانست، بلکه مقوله‌ای است که ذات

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی نظام سازی ... (سعید قربانی تازه کندی) ۱۵۵

هستی حاصل آن بوده و بر سراسر وجود جاری و ساری است (شریعت، ۱۳۸۷: ۶۱). امام علی (ع) درباره برقراری عدالت می‌فرماید: «عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری، به مبارزه و شمشیر می‌انجامد» (خطبه ۴۷۶).

در حکومت امام علی (ع) عدالت در رأس همه امور است، طوری که امام علی (ع) ملاک اصلی کردارها را عدل می‌دانست و می‌فرمودند که اساس زمامداری عدالت است و خداوند عدل را بر پیشوایان واجب کرده است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۹۶) و خاطر نشان می‌کردند که عدل حیات است و مایه ثبات جامعه و کمال زمامداران است (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). امام علی (ع) در خصوص عدالت محوری خویش می‌فرماید:

آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست (خطبه ۱۲۶).

امام علی (ع) برای مسئله عدالت آن‌قدر ارزش و اهمیت قائل هستند که در این باره می‌فرمایند:

به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هرکجا بیابم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن‌کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم بر او سخت‌تر است (خطبه ۱۵).

این‌ها همه نشانگر ارزش و اهمیت مقوله عدالت در جامعه است، چون اگر در جامعه عدالت نباشد، پیشرفت هم در کار نخواهد بود (حائری، ۱۳۷۷: ۲۶۳).

۴.۱.۶ اهتمام به کرامت انسانی

از مهم‌ترین مباحث مطرح در حوزه معرفت‌های مربوط به انسان مسئله کرامت انسان و جایگاهی است که برای او در نظر گرفته شده است، انسان از دیدگاه اسلام دارای شخصیت و کرامتی است که او را در بالاترین جایگاه در میان پدیده‌های هستی قرار داده است (طاهری، ۱۳۸۴: ۶۲). نگهبانی از کرامت انسانی، بزرگ داشتن مردم و بندگان خدا و احترام به آن‌ها، سرلوحه سیره رسول‌الله (ص) و امام علی (ع) بوده است، از این رو زمامداران نباید مردم را

تحقیر کنند یا به بهانه‌های واهی، مردم را به کارهایی وادارند که تحقیر در آن‌ها نهفته باشد، چنان‌که امام علی(ع) می‌فرماید: «آن‌گونه که با ستمگران و جباران سخن می‌گویید با من سخن نگوئید و آن‌چنان‌که در مقابل مستبدان و حاکمان جابر، محافظه‌کاری و خود را جمع‌وجور می‌کنید، در حضور من نباشید» (خطبه ۲۱۶).

با توجه به این‌که بر اساس قرآن کریم، انسان دارای کرامت انسانی است. دولت موظف به حفظ و پاسداشت آن است؛ یعنی رفتار دولت نه‌تنها ناقض کرامت انسانی و حقوق مبتنی بر آن نباشد؛ بلکه باید کرامت، عزت و شرافت انسانی را حفظ و پاسداری کند. یکی از اصولی که امام علی(ع) بدان پایبند بودند و به‌نوعی یکی از آرمان‌های موردنظر امام علی(ع) است، حفظ ارزش و کرامت انسانی است. میزان اهمیت ارزش انسانی افراد در نظر حضرت بر سیره حکومتی وی و حاکمیت اخلاق بر سیاست، تأثیر تعیین‌کننده داشت. در نگاه امام، انسان‌ها بدون توجه به دین و اعتقادشان کرامت دارند و حکومت باید به ارزش انسانی آن‌ها احترام بگذارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۹۷). این مسئله به‌طور کامل در آغاز نامه حضرت به مالک اشتر آمده است که مولای متقیان با مالک اشتر می‌فرماید:

ای مالک، باید دلت از رحمت و محبت مردم مالا مال باشد و لطف و دوستی نسبت به آنان روا داری و نباید همچون جانور درنده‌ای، خوردن آن‌ها را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو صنف هستند: گروهی برادر دینی تواند و دسته‌ای اگرچه مسلمان نیستند، اما مثل تو انسان‌اند و انسان محترم است و حفظ حرمتش لازم (نامه/۵۳).

کرامت انسانی از منظر امام علی(ع) را با این بیان شیوای ایشان در خصوص آفرینش انسان که خود نشان‌دهنده ارزشمند بودن کرامت انسانی است را به اتمام می‌رسانیم، امام علی(ع) می‌فرماید:

خداوند از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده‌دارند، انجام دهند، و عهده‌ی را که پذیرفته‌اند وفا کنند، این‌گونه که بر آدم سجده کنند، و او را بزرگ بشمارند، و فرمود: بر آدم سجده کنید پس فرشتگان همه سجده کردند جز شیطان، غرور و خودبزرگ‌بینی او را گرفت و شقاوت و بدی بر او غلبه کرد و به آفرینش خود از آتش افتخار نمود، و آفرینش انسان از خاک را پست شمرد (خطبه/۱).

با این توصیف یکی از آرمان‌هایی که اسلام و در طول این روند امام علی(ع) به آن به توجه و عنایت داشتند، مسئله کرامت انسانی است که دولت اسلامی در تمامی اقدامات خود باید آن‌ها را مدنظر قرار دهد.

۵.۱.۶ وحدت گروهی و انسجام گرایی عمومی

در این نگاه، وحدت به مفهوم تطابق تمامی مسلمانان در تمامی امور اعتقادی و احکام و تمامی رویکردهای حیاتی نیست بلکه وحدت به مفهوم محور قرار دادن مشترکات گروه‌های مختلف و رعایت مصالح عمومی و قرار گرفتن چارچوبی فراگیر و احترام به حقوق یکدیگر است (صفار، ۱۳۸۶: ۱۵۲). اختلاف و قهر و پشت کردن به یکدیگر در جامعه مسلمانان و دامن زدن به اختلاف‌ها و فاصله گرفتن از همدیگر به دلایل و بهانه‌های مختلف، آفت و حسرت و مانع رشد و تحول مطلوب شخصیت فردی و اجتماعی در بین جوامع اسلامی است (افروز، ۱۳۸۰: ۳۵۹). اخوت اسلامی از اصول اجتماعی آئین اسلام است، رسول‌الله (ص) و در طول این روند، امام علی (ع) به صورت‌های مختلف در جهت استوار ساختن این پیوند کوشیده‌اند (سبحانی، ۱۳۷۱: ۸۴).

اهمیت وحدت برای امام علی (ع) به آن اندازه است که در خانه می‌نشیند و سکوت می‌کند و شمشیر بر روی مخالفانش نمی‌کشد (شریعتی، ۴۵). گرچه امام علی (ع) می‌دیدند که مسیر خلافت به ناحق در دست دیگران افتاده و آنان را در مقابل فرمان خداوند عصیانگر می‌یافتند، اما توجه به مصلحت مهم‌تر، از بروز اختلاف جلوگیری می‌کردند. بیانات آن حضرت در این زمینه بسیار آموزنده است و نشان‌گر آن است که وحدت امت اسلامی که غالباً با حیات واقعی مسلمانان همراه است، بر هر، حق دیگری، گرچه حق معصومی چون علی باشد، مقدم است (قاضی زاده، ۱۳۷۷: ۴۶۵). امام علی (ع) در خصوص وحدت می‌فرماید: «ای مردم امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات در هم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی بهره‌زید و تاج‌های فخر و برتری جویی را بر زمین نهید» (خطبه/۵).

آن حضرت همچنین در تبیین جایگاه و اهمیت فوق‌العاده وحدت خطاب به مردم می‌فرمایند:

خداوند سبحان با وحدت و برادری، بر این امت ممت گذاشته است تا در سایه این رشته همبستگی آرام گیرند؛ نعمتی که هیچ ارزشی را همانند آن نمی‌توان تصور کرد و هیچ آفریده‌ای بهایش را در نمی‌یابد؛ زیرا از هر ارزشی پربهاتر است و از هر سترگی سترگتر. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۱۹۲)

در بسیاری از حکومت‌ها، آنچه مطرح است خواسته‌های حاکمان و افراد خاصی از این جوامع است و انبوه مردم به حساب نمی‌آیند. در چنین جوامعی، تکیه‌گاه وحدت واقعی شکل نمی‌گیرد و با از بین رفتن قدرت حاکمان، شیرازه این حکومت‌ها از هم می‌پاشد. امام علی (ع)

انبوه مردم را یکی از عوامل وحدت و انسجام امت می‌دانند و در کلامی می‌فرمایند: «و این تنها انبوه مردم‌اند که دین را تکیه‌گاه، مسلمانان را ریشه، رویاروی با دشمنان درنبرد و نیروی ذخیره‌اند. پس گوش تو باید ویژه ایشان و گرایش همسوی آن‌ها باشد» (خطبه/۲۰۱).

۶.۱.۶ شایسته‌سالاری

در نظام امامت عدل، شایسته‌سالاری به‌عنوان یک اصل مطرح است. گزینش‌ها بر مبنای ضوابط نه روابط است، نظامی که رسالتش اقامه عدل است، تبعیض در واگذاری اختیارات را برنمی‌تابد. در جامعه‌ای که شایسته‌سالاری حاکم نباشد، عدالت قربانی می‌شود؛ زیرا از نظامی که خود بدون ملاک و معیاری روی کار آمده باشد، نمی‌توان انتظار اجرای عدالت داشت (سلیمی، ۱۳۸۴: ۴۵). برای دستیابی به آنچه به‌عنوان اهداف دولت اسلامی و آرمان‌های علوی است، لازم است مناصب بر اساس لیاقت و شایستگی تقسیم شود و مسئولان و کارگزاران حکومت، با کفایت‌ترین و خدمت‌گزارترین افراد باشند. چنین حکومتی، به آرمان‌های خود سریع‌تر دست می‌یابد (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۴۲).

در مجموعه نامه‌ها، حکمت‌ها و خطبه‌های نهج‌البلاغه، معارف، مفاهیم و اشارات مستقیم و غیرمستقیم بسیاری موجود است که از آن‌ها می‌توان برای تهیه و تدوین مدل جامع شایستگی نیروی انسانی استفاده کرد؛ چراکه سخنان و عملکرد امام علی (ع) در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و در دیگر عرصه‌ها حاوی تبیین صفات و دستوراتی برای حاکمان و استانداران و مدیران حکومتی است که با مطالعه و بررسی مجموعه آن‌ها می‌توان معیارهایی را برای گزینش کارگزاران شایسته به دست آورد، که عهدنامه مالک، سرشار از این توصیه‌هاست، امام در این عهدنامه به مالک می‌فرماید: «در گزینش کارکنان و فرمانروایان، شفاعت و وساطت کسی را مپذیر، مگر شفاعت شایستگی و امانتداری آن‌ها» (نامه/۵۳).

حضرت علی (ع) معتقد بودند هر پستی به توان، خلاقیت و شایستگی مختص به خود نیاز دارد و جایز نیست افراد در جای دیگری قرار بگیرند؛ در غیر این صورت، جامعه مسیر پیشرفت، رشد و تعالی و کمال را نخواهد پیمود (احمدی و فاضلی کبریا، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

۷.۱.۶ آزادی خواهی

اسلام به‌عنوان دین، حق از آزادی قلم و بیان دفاع می‌کند، اما به شرط آن‌که ارزش‌های والای انسانیت دران رعایت شود و کرامت انسانی پایمال نشود (ربانی، ۱۳۷۹: ۳۸). امیرالمؤمنین (ع) در

منزلت و جایگاه آزادی، آن را لازمه وجودی انسان و ازجمله حقوق اساسی او به شمار آورده، می‌فرمایند: بنده دیگری مباش و حال آن خداوند تو را آزاد آفریده است» (نامه/۳۱). از این بیان امام (ع) نتایج ذیل به دست می‌آید:

اول، آزادی یکی از حقوق انسانی است (لا تکن عبد غیرک) دوم، این حق را خداوند به انسان اعطا کرده است (قد جعلک الله سوم، حق «آزادی» ریشه در خلقت انسان دارد و لازمه وجودی انسان است (جعلک الله حرا) چهارم، درحالی که خداوند انسان را آزاد آفریده است، شایسته نیست که یک فرد آزاده خود را در اسارت دیگری درآورد (داعی نژاد، ۱۳۸۹: ۸). حضرت علی (ع) همچنین در بیانات گویبار خود در خصوص آزاداندیشی می‌فرمایند: «آگاه باشید، زنهار، زنهار از پیروی و فرمان‌بری سران و بزرگان، آنان که به اصل و حسب خود می‌نازند، و خود را بالاتر از آنچه هستند می‌پندارند» (خطبه/۱۹۲).

و در برابر این سخن مردم را به مشارکت و آزاداندیشی دعوت کرده و می‌فرمایند:

گاهی مردم، ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می‌دارند. اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود مستائید، تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم، و حقوقی که مانده است بپردازم، و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرم، ادا کنم. پس با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید، و چنان‌که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند، دوری نجوئید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید، و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید» (خطبه/۲۱۶).

وجود خوارچ در شهر کوفه و گستاخی‌های آنان نسبت به امام علی (ع) که مکرر در میان جمعیت و حتی در وسط سخنرانی حضرت، زبان به اعتراض می‌گشودند و گاه در نماز، به آیه‌ای آن حضرت را مورد تعریض قرار می‌دادند، امام (ع) اجازه می‌دادند که آن‌ها اعتراض کنند و به آن‌ها آزادی بیان می‌دادند با اینکه به امام اعتراض‌های ناروا می‌کردند. بر همین مبنا راه رسیدن به نظام سیاسی اجتماعی مطلوب از مسیر آزادی و آزادی‌خواهی عبور می‌کند.

۸.۱.۶ قانون‌گرایی

رسالت قانون، تنظیم عادلانه روابط اجتماعی است. این رسالت آنگاه تحقق می‌یابد که قانون ضمن بهره‌مندی از جامعیت کامل، دارای ضمانت اجرا نیز باشد. در نظام اسلامی، قانون‌گرایی یک وظیفه دینی و شرعی تلقی می‌شود و حقوق و تکالیف دولت و مردم در پرتو اصل رعایت قانون تعریف و تفسیر می‌گردد، امام علی (ع) قانون‌گرایی را به‌عنوان ویژگی بنیادین نظام اسلامی

مورد عمل قرار داده است و اجرای عادلانه قانون را وظیفه خود می‌داند. حضرت علی(ع) در دوران خلافت خویش تلاش گسترده‌ای به منظور حاکمیت اصل قانون‌گرایی انجام داد. با صدور فرمان‌ها، عهدنامه‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی، به کارگزاران حکومتی آموختند که قانون‌گرایی را جدی بگیرند و با قانون‌شکنان در هر موقعیت و جایگاهی که باشند، برخورد قاطع داشته باشند(سلیمی، ۱۳۸۴: ۳۸). امام علی(ع) قانون‌گرایی را در زندگی خود و اطرافیانشان به‌طور جدی رعایت می‌کرد و در این زمینه می‌فرمودند: «به خدا سوگند اگر که هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌ها است به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از دهن مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد»(خطبه/۲۲۴).

۹.۱.۶ نظم و انضباط محوری

از عوامل مهمی که در زندگی انسان و در پیشرفت کاری او نقش اساسی را ایفا می‌کند و یکی از آرمان‌های اسلام و دولت اسلامی است که بدون آن‌هم پیشرفت و تعالی در کار نخواهد بود؛ نظم و انضباط و برنامه‌ریزی دقیق است، بدین معنی که انسان برای هر کاری وقت و ساعتی را تعیین و خود را عملاً موظف به رعایت آن بداند(پاشایی، ۱۳۸۵: ۱۰۰). بدون نظم و قانون و پایبندی به آن، شالوده زندگی اجتماعی از هم خواهد پاشید و اجتماع از بین خواهد رفت، از این‌رو معاشرتی انضباط یافته برای افراد در نهادهای مختلف اجتماعی امری ضروری است. نظم اجتماعی وابسته به انضباط در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است و بدون وجود نظم در این ابعاد، نظم اجتماعی حاصل نمی‌شود و بدون نظم اجتماعی، تعالی و پیشرفتی هم حاصل نخواهد شد(جلال‌یان اکبرنیا، ۱۳۸۶: ۷۶).

اولیای بزرگ اسلام، رعایت نظم و برنامه‌ریزی در کارها را از جمله مهم‌ترین مسائل در زندگی انسان شمرده و آن را مورد تأکید قرار داده‌اند(سبحانی، ۱۳۷۱: ۹۵). امام علی(ع) در ضمن وصیت خود خطاب به امام حسن و امام حسین(ع) می‌فرماید: «شما و همه فرزندانم و هر کس که نامه‌ام به او می‌رسد را به ترس از خدا و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم»(نامه/۴۷).

این وصیت‌نامه عادی نیست چراکه در لحظات آخر عمر امام علی(ع) است و این نشان‌گر ارزش و اهمیت نظم و انضباط در امور است، برای این که اصولاً توسعه و پیشرفت در جامعه بدون ترتیب و مراحل کار امکان‌پذیر نیست و نظم یکی از ویژگی‌های بارز جوامعی است که چه در گذشته و چه در حال حاضر به پیشرفت دست یافته‌اند.

۱۰.۱.۶ مشارکت سیاسی

در نگاه دینی و با مراجعه به نصوص و مبانی اسلامی، مشارکت سیاسی فعالانه و نهادینه و قابل دفاع بوده و فرهنگ اسلامی - شیعی، قابلیت استنباط و انبساط برای پذیرش تکثر و مشارکت سیاسی را به معنایی که در توسعه سیاسی مقصود است را دارد (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۱). در دیدگاه امام(ع)، فرآیند پیشرفت باید هر چه بیشتر به تفاهم میان دولت و ملت منجر شود و اتکای دولت به مردم بیشتر گردد و به حفظ مردم و حضور آن‌ها در جامعه بهاداده شود، از اهداف توسعه باید مشارکت مردم در امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی باشد و مردم خودشان سرنوشتشان را تعیین کنند، البته همه این رویکردها زمانی معنا می‌یابند که همگام با دین باشند، یعنی اگر دولت و مردم هم‌دل بوده و پیشرفتی هم صورت گیرد، این بر اساس خواست اسلام و در سیر طولی مورد نظر امام علی(ع) نیست، پس مشارکت اجتماعی مطلوب مدنظر امام علی(ع)، مشارکت مردم در سرنوشتشان با تکیه بر مبانی اسلامی است (جهانبخش، ۱۳۸۱: ۱۹۷).

از چنین منظری در دولت امام علی(ع) مردم از قدر و منزلت و جایگاه رفیعی برخوردار بودند و نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کردند، از این‌روست که با عدم استقبال مردم، صحنه حکومت و قدرت سیاسی را ترک می‌کند و با خواست و اراده مردم زمام امور را به دست می‌گیرد و هیچ‌گاه خود را به اکراه و اجبار بر مردم تحمیل نمی‌کند، زمامداری امام علی(ع) با مشارکت گسترده مردم در شکل بیعت همگانی و رأی اکثریت و آزادانه آن‌ها در ملاءعام و در مسجد و توأم با انتخابی آگاهانه و با درایت و بعد از اتمام حجت شکل می‌گیرد، در اندیشه سیاسی امام علی(ع) حکومت به مثابه تجلی حاکمیت خدا، متعلق به مردم است (محسنی، ۱۳۸۴: ۳۱). امام علی(ع) در خصوص مشارکت می‌فرماید: «هرکس خودرأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد» (حکمت/۱۶۱).

درجایی دیگر می‌فرماید: «آن‌کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد» (حکمت/۱۷۳). امام علی(ع) در حوزه‌های مختلف حکومت، جایگاه مهم و اساسی برای مردم قائل‌اند که شاید بتوان آن‌ها را مبانی مشارکت سیاسی از دیدگاه امام علی(ع) نام نهاد. حوزه‌های مختلف حکومتی که مردم از نگاه امام(ع) در آن مشارکت دارند عبارت است از: تعیین رهبران و مدیران جامعه، نظارت کار نخبگان و نظام سیاسی، تذکر و بیان حقایق تلخ، بازخواست استیضاح نخبگان و مدیران. مخالفت با نخبگان و نظام سیاسی و آخرت دوست، با مشارکت گسترده مردم در این معیارها و محدوده‌ها است که نقاط ضعف در جامعه مشخص شده و در نتیجه سعی و تلاش برای جبران این نواقص و رفع آن‌ها و بعد پیشبرد جامعه

به سمت پیشرفت حاصل می‌شود و تا زمانی که مردم در این مسائل مشارکت نداشته باشند، پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

۱۱.۱.۶ استقرار امنیت

امام علی(ع)، عامل اصلی امنیت در جامعه را ایمان به خداوند و عامل اصلی ناامنی را بی‌ایمانی برمی‌شمارد، مدل تجلیل امنیت در نهج‌البلاغه، عقلایی بوده و درواقع عقلانیت محور است و حضرت علی(ع) با نگاه معرفت‌شناسی، تأمین امنیت را از کار ویژه حکومت می‌داند. حضرت علی(ع) برای ایجاد امنیت در جامعه اهتمام زیادی داشت(عصاریان نژاد، ۱۳۸۶: ۱۶۳). در مبانی اندیشه‌ای امام علی(ع) مردم به زمامدار نیازمند هستند، امام علی(ع) می‌فرماید:

مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافر آن‌هم بهره‌مند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت، بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود. نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان هستند(خطبه/۴۰).

با توجه به مباحثی را که در خصوص امنیت مطرح شد، نتیجه حاصله این است که، امنیت یکی از مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین معیار و آرمان برای پیشرفت و تعالی و پایداری جوامع هست که امام علی(ع) نیز در نهج‌البلاغه به صورت گسترده به این عامل از جوانب مختلف پرداخته است.

۱۲.۱.۶ جایگاه عقلانی اقشار اجتماعی

نوع نگاه امام علی(ع) در رابطه با اقشار اجتماعی و نحوه برخورد با آن‌ها را در نامه‌ی ۵۳ نهج‌البلاغه به خوبی می‌توان دریافت؛ آن حضرت در این نامه خطاب به مالک می‌فرماید:

ای مالک بدان که رعیت از اقشاری تشکیل یافته است که هر یک جز به وسیله دیگری اصلاح و تکمیل نمی‌شود. این‌ها عبارت‌اند از: لشکریان خدا، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستری، عاملان انصاف و مدارا، اهل جزیه و مالیات، تجار و صنعت‌گران و قشر پائین از نیازمندان و مستمندان.(نامه/۵۳).

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی نظام سازی ... (سعید قربانی تازه کندي) ۱۶۳

آن حضرت همچنین به مالک توصیه می‌کند، کارکنان دولتی را از حیث مالی مستغنی کند تا به فسادهای مالی آلوده نشوند: «روزی فراوان بر کارگزاران دولتی ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشد، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و اتمام حقی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» (نامه/۵۳).

ایشان می‌فرمایند: «همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید و آن کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیرخواهی، زنده نگه‌داشتن سنت پیامبر (ص) جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان، رساندن سهم‌های بیت‌المال به اقشار مردم است» (نامه/۵۳).

حاصل این‌که امام علی (ع) نگاه عمیقی به گروه‌ها و اقشار اجتماعی داشته‌اند، چون برای شکل‌گیری یک نظام اجتماعی مطلوب، به این اقشار و اصناف اجتماعی با این ویژگی‌هایی که امام (ع) در این نامه مطرح می‌کنند نیاز است و تا زمانی که اقشار اجتماعی با این ویژگی‌ها و با این روندها در دل جامعه قرار داده نشوند، نمی‌توان به دنبال شکل‌گیری یک نظام سیاسی اجتماعی مطلوب بود، به خاطر همین قضیه، امام علی (ع) نحوه‌ی برخورد با گروه‌ها و نحوه‌ی انتخاب آن‌ها و نحوه‌ی نظارت به آن‌ها را به‌صورت عمیق مطرح می‌کند تا با اعمال این فرآیند جامعه‌ی مطلوب با رویکرد اسلامی شکل بگیرد.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده با عنایت به دیدگاه امام علی (ع)، در نهج‌البلاغه به تبیین مؤلفه‌های اساسی و تعیین‌کننده، مسئله نظام سازی اجتماعی - فرهنگی آرمان‌های اجتماعی پیردازیم. امروزه نظام سازی اجتماعی - فرهنگی هم در راستای دولت - ملت‌سازی و در جهت تأمین ثبات و پایداری نظام سیاسی جامعه و هم برای توسعه و پیشرفت جامعه از ضروریات اولیه است که از طریق اجتماعی کردن یا اجتماعی سازی صورت می‌گیرد. طبیعی است که اجتماعی سازی شهروندان و حکومت و نهادهای سیاسی و اجتماعی نیازمند مؤلفه‌ها و عناصری تعیین‌کننده است که در بیان و سیره حضرت علی (ع) به بهترین وجه مطرح شده است. اما اگر در جامعه اسلامی این آرمان با همکاری مردم و مسئولین جامعه تحقق پیدا کند، آنگاه جامعه و افراد، در مسیر تعالی و پیشرفت قرار خواهند گرفت. پس رمز توفیق در اعمال آرمان‌های اسلامی با رویکرد اجتماعی در جامعه همدلی و هم‌زبانی مردم و مسئولان در جهت تحقق این مؤلفه‌هاست. دستاورد دیگری که از این پژوهش حاصل گردید، آن است که از دیدگاه امام علی (ع)، اعمال قدرت فائده در پرتو حکمرانی، هدف نیست، بلکه ابزاری برای ایجاد نظام

اجتماعی- فرهنگی مطلوب در جهت نیل افراد جامعه به اهداف متعالی مادی و معنوی. بدون مبالغه، دیدگاه‌های والا و جامع امام(ع) فراتر از مرزهای زمانی و مکان و جهان‌شمول بوده و ترسیم‌کننده الگویی مطلوب و ایده آل برای ساخت جامعه‌ای با بنیان محکم و استوار اعتقادی، سیاسی و فرهنگی است که می‌توان آن را ارزشمندترین میراث فکری بشر در این زمینه به حساب آورد. به علاوه، سمت و سوی معنوی و ارتباط مستمر بین زمین و آسمان، در ایجاد نظام مطلوب اجتماعی- فرهنگی وجه برتری آن نسبت به سایر نظریات است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه(۱۳۷۹). گردآوری سید شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، تهران: زهد.

احمدی، علی‌اکبر و فاضلی کبریا، حامد(۱۳۹۱). مؤلفه‌های شایسته‌سالاری در نگاه امام علی(ع)، با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه، فصلنامه نهج، ش ۴۱، صص ۱۱۱-۱۳۲.

اخوان‌کاظمی، بهرام(۱۳۷۹). آرمان‌های حکومت از دیدگاه امام علی(ع)، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، صص ۱۲۹-۱۴۷.

افروز، غلام علی(۱۳۸۰). آخرین کلام از اولین امام امیرالمؤمنین(ع)، نشریه نامه علوم انسانی، شماره ۴ و ۵. موسوی بجنوردی(۱۳۹۱). حقوق متقابل مردم و حکومت از دیدگاه حضرت علی(ع)، قابل دسترسی در سایت:

<http://noandish.com/fa/news/6326>

بخشنده، محمدابراهیم(۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر شناخت نبوت و امامت، مازندران: انتشارات مبعث.

بی‌آبی، مهدی، حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)، قابل دسترسی در سایت:

<http://www.pajohe.ir/articles/categories/maghalat/1205/>

پاشایی، محمد(۱۳۸۵). علل پیشرفت و انحطاط جامعه در کلام امام علی(ع)، قم: نشر مشهور.

جلالیان اکبرنیا، علی(۱۳۸۶). نظم و انضباط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، نشریه آموزه‌های فقهی، شماره ۲۵، صص ۶۷-۹۴.

جمشیدی، محمدحسین(۱۳۸۰). نظریه عدالت، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

جمعی از نویسندگان(۱۳۸۶). انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف.

جهانبخش، ثواقب(۱۳۸۱). ابعاد توسعه در نظام سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۲۳، صص ۱۸۲-۲۱۱.

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی نظام سازی ... (سعید قربانی تازه کندی) ۱۶۵

حلوئیها، وحیدرضا، صحت، سعید (۱۴۰۱). ادراک عدالت در فرادست: سازه‌ای مغفول در عدالت سازمانی، دوفصلنامه پژوهش‌نامه علوی، شماره ۲، صص ۶۵-۹۳.

حائری، علی (۱۳۷۷). زندگانی سیاسی امام علی (ع)، نشر رامین.

درخشه، جلال و همکاران (۱۳۹۴). تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۶، شماره ۱۷، صص ۷۲-۵۳.

ده پهلوان، طلعت (۱۴۰۲). تبیین تاریخی مؤلفه‌های راهبردی همگرایی در سیره علوی، پژوهشنامه علوی، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۷۰-۵۳.

داعی نژاد، محمدعلی (۱۳۸۹). آزادی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، فصلنامه معرفت، شماره ۳۹.

داعی نژاد، محمدعلی (۱۳۹۱). آزادی از دیدگاه امام علی (ع)، قابل دسترسی در سایت:

<http://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/69053/1>

رافعی، مصطفی (۱۳۷۵). اسلام؛ حقوق و آزادی‌های اساسی انسان، مترجم: محمودرضا افتخارزاده، قم: نشر معارف اسلامی.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۹). دین و آزادی، کلام اسلامی، شماره ۳۳، صص ۳۴-۴۱.

رکابی، ابوذر (۱۳۹۰). حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام)، قابل دسترسی در سایت:

<http://rasekhoon.net/article/show/189171/>

سبحانی، جعفر (۱۳۷۱). فروغ ولایت تاریخ تحلیلی زندگی امیرالمؤمنان (ع)، انتشارات صحیفه.

سلیمی، عبدالکریم (۱۳۸۴). راه کارهای تأمین عدالت، کتاب نقد، شماره ۳۷، صص ۲۹-۷۴.

شریعت، فرشاد (۱۳۸۷). عدالت و سیاست، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).

شیروانی شیر، علی، حیدری، فاطمه (۱۴۰۱). تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی و کاربردهای تربیتی آن، دوفصلنامه پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۱، صص ۱۹۹-۱۳۶.

شریعتی، علی، علی بنیان گزار وحدت، تهران: ارشاد.

شمس، آمنه (۱۳۹۴). اهمیت نظام سازی، قابل دسترسی در سایت:

<http://www.dolatabahar.com/telex-39064.html>

صفار، حسن (۱۳۸۶). وحدت امت اسلامی از نگاه امام علی (ع)، ترجمه: سید مرتضی حسینی فاضل، فصلنامه پیام، شماره ۸۷، صص ۱۴۹-۱۶۰.

صادقی، الهه (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی نقش کارگزاران در تحقق دولت اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، نشریه دولت پژوهی، شماره ۳۷، صص ۵-۳۸.

طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی شخصیت و کرامت انسان، پژوهش‌های دینی، شماره ۳، صص ۶۱-۸۰. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۲). المیزان، ج ۸، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۶). تهدیدات امنیت ملی از منظر نهج‌البلاغه، نشریه نگرش راهبردی، شماره ۸۴ و ۸۳، صص ۱۵۹-۱۷۱.

۱۶۶ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۵). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

قربانی، سعید و طاهرخانی، فاطمه (۱۴۰۰). واکاوی موانع عرفی شدن حکومت دینی در افکار و باور آیت‌الله مطهری با استفاده از روش تحلیل مضمون، نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۶۷، صص ۲۰۵-۲۳۲.

قربانی، سعید و یوسفی، بتول (۱۴۰۲). موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام بر اساس اندیشه آیت‌الله جوادی آملی با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۹.

قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۷۷). اندیشه‌های فقهی-سیاسی امام خمینی (ره)، مرکز تحقیقات استراتژیک.

کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاستگذاری عمومی، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، تابستان، شماره ۲، صص ۲۰۸-۱۸۹.

محسنی، علی (۱۳۸۴). امام علی (ع) و رویکرد مردمی به مقوله حکومت و خاستگاه آن، دانش سیاسی، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۵۸.

منصور نژاد، محمد (۱۳۸۴). مبانی دینی مشارکت سیاسی، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۳۷، صص ۱۰۹-۱۲۱.

میرجلیلی، سیدکاظم (۱۳۸۷). حضرت علی (ع) منادی وحدت، مجله معرفت، شماره ۱۲۹.